به نام خدا

مشاغل سنتی

در اردبیل

طراح و پژوهش: احمد شادی

**مقدمه**

در جامعه شهری هر فرد یا افراد وابسته به بخش‌های مختلف شهری، باید نوعی شغل و کار را پیشه بکنند که هم به درد جامعه اطرافش بخورد و هم توجه دیگران را برای تهیه و خرید آن جلب کند، اما کارهای شناخته شده که از پدر به فرزند و از استاد به شاگرد می‌رسید، ماندگاری داشت بعضی از این مشاغل با نوین شدن و استفاده از فناوری‌های جدید در ادامه آن روزگار هنوز هم مورد استفاده عموم است، بازار بزرگ قدیمی اردبیل با قدمتی بیش از صد ساله با توجه به مشاغل سنتی توسط معماران طراحی شده یکی ازمکانهای تجاری است که تولیدات آنها همواره مورد استفاده‌ی مردم، تجار و بازرگانان ایرانی که با کشورهای شمالی از جمله روسیه در ارتباط بودند قرار می‌گرفته و تا عهد قاجار در رونق تجاری ایران نقش کلیدی ویژه ای داشته است اما این مشاغل سنتی باوجود سابقه‌ی دیرینه متأسفانه با گذشت زمان روبه فراموشی می‌رود مشاغل قدیمی که امروز در مجموعه شغل‌های حاشیه‌ای قرار دارد وتا سالهای پیش جزء مشاغل اصلی و مورد نیاز مردم شهر اردبیل و منطقه بود وامروزه احیا دوباره مشاغل بومی و سنتی زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر را مهیا می‌کند این شغل های قدیمی ثبات ایجاد اشتغال پایدار را در پی دارد و امروز باید به حفظ این سرمایه‌های بومی ، ملی و تاریخی اهمیت داد تا از این رهگذر، فرهنگ و هویت تاریخی ایران به نسل های بعدی انتقال یابد این مستند با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای، ومیدانی مشاغل سنتی و بومی استان اردبیل را بعنوان فرصتی برای رونق کسب وکار، اشتغالزایی ، بهبود معیشت مردم شناسایی و جذب سرمايه خارجي معرفی میشود

**موضوع مستند**

سالیانه نه چندان دور اردبیل از نظر اقتصادی در بین شهرهای ایران مخصوصا شهرهای آذربایجان مقام ممتازی داشته به طوری که تجاراردبیلی تولیدات خود رابه شهرها و کشورهای همجوار صادر می کردند و این موقعیت بخاطر موقعیت جغرافیای ووجود اصناف و پیشه ورانی سنتی واقوام مختلف درشهر اردبیل بود گرچه با نقاط دیگر روابط بازرگانی داشتند ولی قسمت عظیم مایحتاج خود را خود تهیه می نمود و نیازمندیهای جامعه بدست صنعتگرانی از خود آن تامین می گردید در گذشته ۱۷۰ صنوف مختلف در این شهر از یکدیگر جدا و هر یک در قسمت مخصوص بازار بزرگ اردبیل تمرکز داشته است و نیز مکان تولید و فروش آنها یکی بود به جز چند صنعت، مثل کوزه گری ،... ولی بیشتر صنعتگران در همان جائی که فرآورده های خود را می ساختند در همان جا نیز برای فروش به مردم عرضه می نمودند و اجناس به قیمت ارزان بدونه دلال و واسطه در دسترس خریدار قرار می گرفت . امروزه پیشه وری سنتی درشهر اردبیل با گذر روزگار و پیشرفت زندگی بشر، دیگر جایی برای بسیاری از آنها نگذاشته است. بخشی از آنها به خاطر توسعه صنعت و علم از بین رفته‌اند، برای بخشی دیگر هم فرصت و حالی نمانده است. با این حال هنوز در گوشه و كناربازار و محله‌های قدیمی‌تر، كسانی هستنداز پدران خود این پیشه را یاد گرفتند و به همان شیوه‌های قدیمی كار می‌كنند و خدماتی به مردم می‌دهند كه دیگر كمتر می‌توان نشانه‌ای از آن در شهرهای بزرگ پیدا كرد. پیشه های چون کلاهدوزی، چرم فروشی(دباغی)، فرش بافی، حلبی سازی، یخدان ساز صندوق ساز ،خراطی ،صحافی ، کوزه گری،داوفروشی ،رنگرزی ،جواهر سازی ، آهنگری ،مسگری، نمد مالی، پالان دوزی،سکاکان چاقوسازی ،روفگری، قلم زنی،شمع سازی ، در شهر اردبیل هنوز از رونق نیافتاده و باقی ماند است عدم توجه به این مشاغل سنتی باقی مانده و پردرآمد ممکن تا چند سال دیگر از بین رفتن کامل این مشاغل شود اگربتوانیم آگاهی و فرهنگ گرایش به سمت مشاغل سنتی در جامعه را با ساخت مستند های بیشتر کنیم آنگاه می توان امید داشت که جوانان شهردر این حرفه‌ها مشغول به کار شوند بنابراین پرداختن به چگونگی تولیدات مشاغل سنتی ، احیای دوباره آن در راسته بازاربزرگ اردبیل موضوع مستند ما می باشد.

**اهداف**

نشان دادن ارزش اقتصادی( تولید،..) مشاغل سنتی اردبیل

حفظ و احیای مشاغل سنتی و بومی اردبیل فرصتی برای رونق کسب وکار و بهبود معیشت مردم

انتقال این میراث ارزشمند پدران ما به نسل های بعد بخصوص جوانان جویای کار و تولید

ایجاد شغل های ثبات و اشتغال پایدار

نشان دادن معماری سنتی مکان های تجاریبخصوص بازراربزرگ اردبیل

**ضروریت طرح**

هرگاه صحبت از مشاغل سنتی به میان می آید بلافاصله ذهن به یاد کسب و کارهای رو به زوال رفته می افتد که امروزه دیگر در رونق بازار حرف ندارد. گویی زوال آن ها با زوال آن نسل عجین گردیده و تنها یادی از آنها در اذهان پدران و مادران ما باقی است. مشاغل و پیشه های قدیمی در گذشته نه چندان دور در این شهر از رونق اقتصادی مناسب برخوردار بوده و عده زیادی از مردم از طریق این امور، کسب درآمد و امرار معاش می کردند امروزه از این مشاغل هنوز کمابیش وجود دارد و یا به طور کامل منسوخ شده اند. در واقع بیشتر این مشاغل که در حال حاضر در مجموعه شغل های حاشیه ای قرار دارند، تا چند صد سال پیش تقریبا جزء مشاغل اصلی و مورد نیاز مردم ایران و منطقه بوده است.با یک بررسی تاریخی می توان به این نتیجه قطعی و روشن رسید که هر یک از این حرفه ها، دارای سابقه کهن تاریخی به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی است و می دانیم بسیاری از آن ها تقریبا قطعه ای به جامانده از هویت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه (شهر و استان) است که نسل به نسل گشته و اکنون به ما رسیده است. این جاست که باید کمی عمیق تراندیشید و دید که به راستی وظیفه چه گروه و سازمانی و رسانه ای است که با توجه به اهمیت روزافزون فرهنگ و تاریخ به حفظ این سرمایه های بومی و ملی و تاریخی اهمیت دهد و به ارزش حفظ این مشاغل، نه به صورت نمادین بلکه حداقل در حد کامل تری توجه کرد. همچنین با توجه به شرایط اقتصادی پرداختن به این موضوع باعث اسباب ورود تعدادی از جوانان به این مشاغل را فراهم کرد تا این پیشه ها دوباره احیا گردد به راستی تا چه اندازه زمان خواهیم داشت تا این میراث ارزشمند را برای نسل های بعد حفظ کنیم؟ میراثی که با توجه به گسترش بی هویتی فرهنگی در میان جوانان، می تواند تأثیر بسیاری در انتقال فرهنگ و هویت تاریخی ایران به نسل های بعدی داشته باشد…

**ایده مستند**

ما در این مستند می خواهیم به ماهیت و تولید اصناف و پیشه ورانی دربازار سنتی اردبیل که در حل نابودی وفراموشی هستند بپردازیم و همراه آن روند تولید هر یک از محصولات این اصناف را در هر یک از راسته های بازار خود اصناف(راسته مسگران، راسته کفاشان،...) به تصویرمی کشیم ایده مد نظر در این مستند می باشد

**خلاصه ساختار مستند**

با توجه به تحقیقات میدانی که قبل از نگارش طرح صورت گرفته تعدادی کمی از این اصناف دربازار فعالیت می کنند بنابراین ما برای ساخت این مجموعه مستند مجبوریم تعداد کمی از این مشاغل را در همان راسته بازار اصناف و مکانهای مشخص مثلا پیشه خراطی را در راسته خراطان ،....بازنمای کنیم برای این منظوردرساختار هریک از مشاغل دو محور در نظر داریم محور اول و اصلی چگونگی روند کار و تولیدات این مشاغل در راسته های بازارو اهمیت این مشاغل در معیشت مردم مثلا شغل اهنگری در راسته اهنگران، ..... محور فرعی دیگر که در زیر مجموعه محور قرار دارد موقعیت جغرافیای و معماری این مشاغل در بازار مثلا راسته خشکبار،.. می باشد بنابراین ما در این مستند با یک ساختار وشیوه منسجم به پیش می بریم آن شیوه مشاهدی و تعاملی است برای این منظور راوی مستند دانایی کل می باشد وهمچنین از عکس های آرشیوی ،صحبت های تجاران ،اساتید و یا فرزندان این استاد کاران درهر مشاغل مدنظر در طول این مستند می باشد تا تمام مراحل را از نگاه آنها در۲۰ دقیقه ۱۵ قسمتی به تصویر بکشیم

**مشاغل مهم در بازار سنتی اردبیل**

از جمله مشاغل سنتی در بازار سرپوشیده بزرگ اردبیل که تا سالهای نه چندان دور رونق داشت ومایحتاج مردم را فراهم می کردند می توان به پیشه کلاه دوزی، چرم فروشی(دباغی)، نخریسی وفرش بافی، حلبی سازی، یخدان ساز صندوق ساز ،خراطی ،صحافی ، کوزه گری ،داوافروشی ،رنگرزی ،جواهر سازی ، آهنگری ،مسگری، نمد مالی،سراجی وپالان دوزی،سکاکان، چاقوسازی ،روفگری، قلم زنی،شمع سازی ،خیاطی،..... اشاره کرد

**خلاصه توضیحات تعدادی ازمشاغل در بازار سنتی اردبیل**

**پیشه آهنگری**

اهنگران دسته معینی از صنعتگران اردبیلی بودند و در بازار راسته مخصوصی بنام دمیرچی بازار داشتند که امروزه به همین نام خوانده می شود آنان هر یک دراین بازار دکان معینی داشتند و کوره مخصوص در وسط آن می ساختند و با کمک دمهای بزرگ و زغال چوب حرارت مطلوبی در آن بوجود می آوردند آنگاه قطعات آهنی را که می خواستند بشکل مخصوص در آورند در انجا سرخ کرده با چکش زنها بروی سندانی که در جلوی کوره قرار داشت می گذاشت وآماده چکش زدن می نمودند چکش زنها معمولا جوانان یا میانسالان نیرومندی بودند وو بپتکهای سنگین برآهن سرخ شده می کوبیدند خود استاد کار با انبر آهن را می گرفت و برای شکل دادن آن را روی سندان برمی گردانید اگر وسط کار و قبل از آنکه آهن بشکل مورد نظر در اید سرد می شد بار دیگر آنرا در کوره می گذاشت و قطعه دیگری را که سرخ شده بود در می آورد.آهنگران معمولا داس، چکش، شانه های زراعی،شن کش،گاو آهن، زنجیر های مختلف، قفل، قیمه کوب، نعل کفش،کابتین، بیل، کلنگ، چفت و لوله در، میخ،انبر، نعل چهار پا، حلقه های دور چرخهای ارابه و درشکه، ماله، و ابزار های بنائی، سه پایه آهنی ، تلمبه سازی ، کارد و چاقو غیر می ساختند ودر قسمت راسته آهنگران به نام های« ناسوچی بازار» ،« پیچاقچی بازار» ،... انها در جلوی دکان برای فروش می گذاشتند...

**پیشه مسگری**

یکی از صنعت هاس صنعت قدیم دراردبیل مسگری بود که در بازارراسته نسبتا بزرگ و طولانی بنام مسگره بازار خوانده می شد در ان زمان ظروف چینی از خارج می امد و بهای زیادی فروخته می شد از اینرو تهیه آن برای همه خانواده ها میسر نمی بود در عوض از ظروف مسین استفاده می کردند اوراق مسی از خارج می امد ود راین بین مس زنجان با مرغوبیت خاصی شناخته می شد. برخی از مسگران برای ساخنه های خود نقش هایی نقر می کردند یا اشعاری بر روی آنها می نوشتند از اینرو ظروف مسی از صنایع و کارهای وسیع این شهر بود و علاو بر مسگری گروهی نیز بنام قلعچی در نقاط مختلف شهر به سفیدگری ظروف مذکور اشتغال داشتند مسگران از اوراق مس دیگ قابلمه دوری که نامی برای بشقابهای گرد و بزرگ بود ،بشقاب، قراپلان یا ابکش، کفگیر طشت، افتابه، افنابه لگن، کاسه ،طاس حمام، پیاله، تابه، سینی، و دیگر لوازم زندگی را می ساختند

**پیشه زرگری**

زرگری ها بازار مخصوص داشتند که بنام آنها زرگره بازار خوانده می شد اینان صنعتگران ظریف کار ی بودند و از طلا و نقره زینت الات می ساختند مصنوعات انها بصورت گردنبند فسینه ریز، النگو، دستبند، گوشواره ،انگشتری، گلهای سر بود پیشنیان انها علوه بر الات مذکور خلخالهای زیبا برای بستن به مچ پا، تکمه های زرین آویز شکل،برای دوختن به جلوی (یل) های بانوان می ساختند وبرای اعیان اشراف نیز انفیه دان از طلاو نقره درست می کردند از جملع روکش نقره در ورودی رواق مقبره شیخ صفی الدین سخن گفته نوشته ایم که سازنده ان با خط ریز و در زیز گلهای زیبای که طرح کرد خود با این جمله (عمل امیر خان ارده بیلی1020) معرفی نموده ودر چهارصد سال قبل مهارت و استادی خود را عرضه کرده است.

**پیشه کلاهدوزی**

دسته دیگر از کسانی که با سوزن و نخ کار می کردند کلاهدوز بودن ودر بورکچی بازار یا بازار کلاهدوزان روبروی مسجد جامع فعلی کلاه می دوختند و امروزه کلاه گذاشتن تقریبا از مد افتاده و کلاهدوزی اهمیت پیشین خود را از دست داده است وکلاه نداشتن از بی ادبی های بزرگ اجتماعی می دانستند کلاههای آندوره بطور کل بر دو نوع مخروطی یا استوانه ای بود کله های مخروطی را که در اصل بشکل هرم چهار یا پنج وجهی دوخته می شد در محل (طاساکی )می گفتند که به نظر می رسد تحریف شده (طاس کلاه) باشد این کلاه مخصوص دهقانان بود ودر شهر نیز بیشتر کارگران و پیشه وران از آن استفاده می کردند آن دسته از شهروندان هم که کلاههای نوع دوم بسر می گذاشتند شبها از طاساکی استفاده کرده وبا ان می خوابیدن وبدنجهت اینان آنرا شب کلاه می گفتند طایاکی را از نمد و پارچه می دوختند بدینطریق که بر طبق الگوهای مخصوص برای سنسن مختلف مثلث های متساوی الساقین از نمد بریده بهر تکه از ان پارچه ایبعنوان آستار می دوختند سپس آنها را دوبدو در ساق های مساوی با نخ و سوزن بهم وصل کرده پس از کشیدن رویه و حاشیه ای بر دوره قاعده بصورت کلاه در می آوردند. کلاههای نوع دوم را از مقوا می ساختند بدینطریق که مستطیلی از مقوارا بر مبنای الگوی معین بصورت استوانه در می وردند و یکی از قاعده های انرا که علی الرسم اندکی تنگتر از دیگری بود با مقوای دایره ماننده دیگری می گرفتند آنگاه بداخل آن آستر و بخارجش رویه می دوختند رویه چنین کلاه های را معمولا از پارچه هایی مثل ماهوت و فاستونی ،برنگ مشگی تهیه می کردند ودر اینصورت آنرا کلاه امیری می گفتند ولی کلاه برخی از اعیان و اشراف از پوست بره که از بخارا می آوردند رویه می کشیدند وچنین کلاههارا بخارائی می نامیدند پس از تاسیس سلسله پهلوی نوع کلاه لبه دار در ایران معمول شد که آنرا کلاه پهلوی می گفتند .کلاهدوزان بجای امیری از آن می دوختند بموازات تجویز کلاه شاپور برای مردان برای دانش اموزان دبیرستان ها کلاه کاسگ و برای نو اموزان دبستانها کلاه بره مقرر گردید . کلاهدوزان بناچار شکل کارهای خود را عوض کرده و کلاههای جدید دوختند.